

صبح چهارشنبه

۸۵/۱۲/۹

اگر دانشگاه اصلاح شود مملکت اصلاح می‌شود.
امام خمینی (ره)

جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
سازمان سنجش آموزش کشور

آزمون ورودی

دوره‌های کارشناسی ارشد ناپيوسته داخل

سال ۱۳۸۶

مجموعه زبان آلمانی

(کد ۱۱۲۴)

شماره داوطلبی:

نام و نام خانوادگی داوطلب:

مدت پاسخگویی: ۱۲۰ دقیقه

تعداد سؤال: ۱۲۰

مواد امتحانی، تعداد و شماره سؤالات

ردیف	مواد امتحانی	تعداد سؤال	از شماره	تا شماره
۱	زبان آلمانی	۱۲۰	۱	۱۲۰

اسفند ماه سال ۱۳۸۵

استفاده از ماشین حساب مجاز نمی‌باشد.

مناسب‌ترین ترجمه برای جمله‌ها و عبارتهای شماره ۱ تا ۲۰، کدام است؟

- 1- **Plötzlich hielt er den Atem an, er vergaß sogar die Tränen fließen zu lassen.**
- (۱) یک دفعه نفس نکشید و حتی فراموش کرد اشک بریزد.
 (۲) ناگهان نفس را حبس کرد و جاری شدن اشک را از یاد برد.
 (۳) ناگه نفس را محبوس کرده و حتی گریه کردن را از یاد برده است.
 (۴) ناگهان نفس را در سینه حبس کرد. حتی اشک ریختن فراموشش شد.
- 2- **Die neuesten Veröffentlichungen des Atomphysikers haben in der Fachwelt Aufsehen erregt.**
- (۱) جدیدترین انتشارات فیزیکدان اتمی در دنیا آبرو کسب کرده است.
 (۲) تازه‌ترین مقالات فیزیکدان اتمی در میان اهل نظر جنجال به پا کرده است.
 (۳) تازه‌ترین انتشارات فیزیکدان اتمی در محافل علمی جلب توجه کرده است.
 (۴) جدیدترین کتب فیزیکدان اتمی در بین متخصصان وجهه پیدا کرده است.
- 3- **„Moallakat“ deuten auf eine wandernde, herdenreiche, kriegerische Nation, durch den Wechselstreit mehrerer Stämme innerlich beunruhigt.**
- (۱) معلقات نشان از قومی کوچ‌نشین، جنگجو و گله‌دار دارند که از ستیز میان قبایل خود، درونی ناآرام دارد.
 (۲) معلقات به ملتی جنگ‌طلب، گله‌دار و سیاح اشاره می‌کنند که به واسطه‌ی زد و خورد قبایل فراوانی از نظر روحی ناآرام شده‌اند.
 (۳) معلقات گویای امتهی گردشگر، دامدار و جنگ خواه بودند که با دعوی متناوب چندین قوم در میان خود ناآرام بودند.
 (۴) معلقات حکایت می‌کنند از ملتی دامپرور، کوچ‌کننده و جنگجو که به علت جنگ چندین قبیله از نظر فکری ناآرام شده‌اند.
- 4- **Physisch-klimatische Einwirkung auf Bildung menschlicher Gestalt und körperlicher Eigenschaften leugnet niemand.**
- (۱) کسی اثر آب و هوا و جغرافیا را بر شکل‌یابی انسان و ویژگی‌های جسمی او منکر نمی‌شود.
 (۲) هیچ کس تأثیر آب و هوا و اقلیم را بر شکل‌دهی جسم انسان و خصوصیات جسمانی او انکار نمی‌کند.
 (۳) هیچ کسی تأثیر آب و هوایی و فیزیکی را بر ساخت اندام بشر و خصوصیات بدنی او منکر نیست.
 (۴) همگان تأثیر آب و هوا و جغرافیای طبیعی را بر شکل‌دهی بدن انسان و ویژگی‌های جسمانی او انکار نمی‌کنند.
- 5- **Der Gedanke, ihn zu beleidigen, lag mir fern.**
- (۱) به هیچ وجه نمی‌خواستم به او توهین کنم.
 (۲) فکر توهین به او به ذهنم خطور نمی‌کند.
 (۳) برایم بعید است که به او توهین کنم.
 (۴) به هیچ وجه قصد ندارم به او توهین کنم.
- 6- **Gerade die kulturellen Verschiedenheiten aber sind es, die uns dazu herausfordern, nach einem Maßstab der Beurteilung zu fragen.**
- (۱) درست همین تنوع فرهنگی مجبورمان می‌کند معیاری واحد برای قضاوت‌هایمان پیدا کنیم.
 (۲) درست همین اختلافات فرهنگی از ما می‌خواهند که به معیاری برای قضاوت کردن دست یابیم.
 (۳) درست همین تمایزات فرهنگی هستند که وادارمان می‌کنند دنبال معیاری برای کیفی دادن افراد برآییم.
 (۴) درست همین تفاوت‌های فرهنگی هستند که وادارمان می‌کنند در پی معیاری برای قضاوت به پرس و جو برآییم.
- 7- **Der Arzt empfahl dem Patienten, sich einer Kur zu unterziehen.**
- (۱) پزشک به بیمار توصیه کرد که باید جراحی شود.
 (۲) پزشک به بیمار توصیه کرد که استراحت کند.
 (۳) پزشک هم‌اشار به بیمار می‌گفت، باید خودت را درمان کنی.
 (۴) پزشک به بیمار توصیه کرد، تحت یک دوره معالجه قرار گیرد.
- 8- **Bei der Zollkontrolle wurde festgestellt, dass der Tourist die Zollbestimmungen umgehen wollte.**
- (۱) در بازرسی گمرک معلوم شد که توریست، قصد داشته مقررات گمرکی را نادیده بگیرد.
 (۲) در گمرک ثابت کردند که توریست، قوانین گمرکی را به مسخره گرفته بود.
 (۳) در باجه کنترل گمرک فهمیدند که توریست می‌خواست قسیر در برود.
 (۴) در ایست بازرسی، توریست قصد داشت باجه کنترل را دور بزند.

- 9- **Zu vielem zwingt uns die Not, wozu Vernunft nicht rät.**
- (۱) نیاز بر خیلی چیزها چیره‌مان می‌کند، که اصلاً عاقلانه نمی‌نماید.
 (۲) نیاز، ما را به انجام بسیاری کارها وامی‌دارد که خرد آن را توصیه نمی‌کند.
 (۳) فقر ما را وادار به اجرای قطعاتی می‌کند که اصلاً با عقل جور در نمی‌آید.
 (۴) فقر ما را آنقدر به زیاده‌خواهی وامی‌دارد، که خرد اصلاً توصیه‌اش نمی‌کند.
- 10- **Er hat die Sache genauer unter die Lupe genommen.**
- (۱) او شیئی را دقیق‌تر با ذره‌بین دید.
 (۲) او شیئی را دقیق‌تر زیر ذره‌بین گذاشت.
 (۳) او موضوع را دقیق‌تر مورد مطالعه قرار داد.
 (۴) او مطالعه موضوع را دقیق‌تر انجام می‌دهد.
- 11- **Ich möchte alles auf die Reihe kriegen.**
- (۱) علاقمندم همه چیز تحت کنترل باشد.
 (۲) من دوست دارم همه به صف بایستند.
 (۳) علاقمندم همه چیز به ترتیب انجام شود.
 (۴) علاقمندم در صف بایستم و همه چیز را به دست بیاورم.
- 12- **Es ist das Verdienst dieses ausgezeichneten Arztes, dass der Patient gerettet werden konnte.**
- (۱) حاصل تلاش این پزشک عالی مقام نجات بیمار بوده است.
 (۲) تلاش برای این پزشک حاذق در نجات بیمار شایسته تکریم است.
 (۳) این درآمد به دنبال نجات بیمار توسط این پزشک حاذق کسب شده است.
 (۴) این نشان دهنده شایستگی این پزشک بسیار خوب است که بیمار توانست نجات یابد.
- 13- **Wertvolle Bücher, sowie handgeschriebene und seltene Exemplare liegen in der Bibliothek unter Verschluss.**
- (۱) کتب قیمتی مثل دست‌نوشته‌های نایاب در قفسه‌های قفل شده نگهداری می‌شود.
 (۲) کتب با ارزشی مثل نسخه‌های خطی و نایاب در کتابخانه مهر و موم شده است.
 (۳) کتاب‌های پر ارزش، مانند نسخه‌های خطی و کمیاب در کتابخانه در دسترس افراد نیست.
 (۴) کتب قیمتی همچون نوشته‌های دست‌نویس به ندرت در کتابخانه نگهداری می‌شود.
- 14- **Wer so einen Wagen fährt, der stinkt doch nach Geld.**
- (۱) ماشین‌اش نشان نمی‌دهد، اما خیلی پولدار است.
 (۲) ماشین‌اش نشان نمی‌دهد، اما آه در بساط ندارد.
 (۳) همین که سوار چنین ماشینی می‌شود، یعنی آه در بساط ندارد.
 (۴) کسی که سوار چنین ماشینی می‌شود، یعنی پولش از پارو بالا می‌رود.
- 15- **Feigheit ist der wirksamste Schutz gegen die Versuchung.**
- (۱) ترس مؤثرترین پناه در برابر وسوسه است.
 (۲) هراس محکم‌ترین دژ در مقابل دسیسه است.
 (۳) جبن مؤثرترین وسیله در مقابل دسیسه است.
 (۴) بی‌تفاوتی مؤثرترین حفاظ در برابر وسوسه است.
- 16- **Eifersucht ist eine Leidenschaft, die mit Eifer sucht, was Leiden schafft.**
- (۱) حسادت میل شدیدی است که سختی می‌آفریند.
 (۲) حسادت غریزه‌ای است که در یافتن رنج و تعب مجدانه می‌کوشد.
 (۳) حسادت اشتیاقی است که با جدیت در جستجوی مصیبت است.
 (۴) حسادت اشتیاقی است که با جدیت هر آنچه را که رنج می‌آفریند، می‌جوید.
- 17- **Ein Fachmann ist ein Mensch, der zu reden anfängt, wenn er zu denken aufhört - und umgekehrt.**
- (۱) سخن عاقلانه گفتن و تفکر از ویژگی‌های خبرگان است.
 (۲) خبره کسی است که در خاتمه‌ی تفکر سخن بگوید و بر عکس.
 (۳) کارشناس کسی است که سخن گفتن و تفکر او در لحظه‌ای مناسب باشد.
 (۴) خبره کسی است که در زمان تفکر، سخن نگوید و هنگام سکوت، تفکر کند.

- 18- Es ist ein herrliches Gefühl, die Einheitlichkeit eines Komplexes von Erscheinungen zu erkennen, die der direkten sinnlichen Wahrnehmung als ganz getrennte Dinge erscheinen.
- (۱) شناخت یکپارچه بودن مجموعه‌ای از پدیده‌ها که ادراک حسی مستقیم، آنها را کاملاً جدا از یکدیگر می‌پندارد، احساس بی‌نظیری است.
 - (۲) مشاهده ویژگی‌های مشترک پدیده‌هایی که برای ادراکات حسی، اشیاء جدا از یکدیگر محسوب می‌شوند، احساس زایدالوصفی است.
 - (۳) درک تمامیت پدیده‌هایی که از نظر ادراک جدا از یکدیگر محسوب می‌شوند، احساسی وصفناپذیر است.
 - (۴) تشخیص یکپارچگی دسته‌ای از پدیده‌ها که برای حواس، اشیاء جداگانه به شمار می‌روند، باور نکردنی است.
- 19- Maria sagt Elke durch die Blume, dass sie mit ihrem Verhalten gar nicht einverstanden ist.
- (۱) ماریا سربسته به الکه گفت که از رفتار او اصلاً راضی نیست.
 - (۲) ماریا سربسته به الکه گفت که از رفتار او کلاً خوشش نمی‌آید.
 - (۳) ماریا رک و پوست کنده به الکه گفت که از رفتار او اصلاً راضی نیست.
 - (۴) ماریا به طور ضمنی به الکه فهماند که از رفتار دوستش اصلاً راضی نیست.
- 20- Er fiel aus allen Wolken, als man ihm sagte, dass er ab nächsten Monat nach Köln versetzt würde.
- (۱) وقتی شنید که ماه بعد به کلن می‌رود، انگار دنیا را روی سرش خراب کردند.
 - (۲) وقتی به او گفتند که از ماه بعد به کلن منتقل می‌شود، از تعجب شاخ در آورد.
 - (۳) وقتی به او گفتند که از ماه بعد به کلن منتقل می‌شود، از شادی پر در آورد.
 - (۴) اصلاً برایش مهم نبود که از ماه بعد به کلن منتقل می‌شود.

متن زیر را به دقت خوانده و مناسب‌ترین گزینه را برای جاهای خالی انتخاب کنید.

(21)auf dem Lande: Ein nicht mehr ganz junger Mann

(22)in einem idyllischen Heidedorf seine erste Lehrerstelle (22)

Das Landleben verläuft im gemächlichen (23).....der frühen sechziger Jahre, die idyllischen Impressionen, die der Lehrer empfängt, erweisen sich aber zunehmend als (24)..... Unter der (25)..... ist vieles anders, als es scheint. Kaum einer der Landbewohner (auch nicht der gefürchtete Schulrat) hat eine ganz reine (26)....., und der berühmte Maler – ein Naziopfer, wie erzählt wird- ist bei nüchterner (27)..... alles andere als ein antifaschistischer Held. Die kleinen Skandale und Verfehlungen werden fein säuberlich unter der Decke gehalten. Die heile Welt ist alles andere als heil.

Der Neuankömmling, ein später Nachfahre des Eichendorffschen Taugenichts, versucht sich in dieser Welt (28)..... Er bleibt aber im dörflichen Mikrokosmos ein Außenseiter, ein Kauz, der seine Zeit ein wenig ziellos zwischen den täglichen Pflichten, der Jagd nach minderen Antiquitäten und kleinen amourösen Abenteuern (29) Dabei käme es für ihn jetzt wirklich darauf an: Es ist bereits sein dritter Anlauf, eine bürgerliche Existenz zu gründen...

Walter Kempowski gelingt es, die Atmosphäre einer vergangenen Zeit zu beleben. Aus der Fülle präzise beobachteter Einzelheiten setzt sich das (30)..... scharfe Bild einer scheinbar behüteten, altmodischen Welt zusammen, deren Ausverkauf durch die Moderne allerdings bereits begonnen hat: Der Roman gewinnt eine gleichnishafte Qualität.

21-	1) Ankunft	2) Umzug	3) Einreise	4) Übersiedlung
22-	1) geht _ ein	2) tritt _ an	3) tritt _ ein	4) reicht _ ein
23-	1) Strom	2) Ambiente	3) Takt	4) Kommen und Gehen
24-	1) fälschlich	2) spannend	3) zutreffend	4) trügerisch
25-	1) Hintergrund	2) Hinterfläche	3) Motto	4) Oberfläche
26-	1) Jacke	2) Historie	3) Weste	4) Wäsche
27-	1) Ansicht	2) Betrachtung	3) Beobachtung	4) Wertung
28-	1) einzutreten	2) einzubringen	3) zu etablieren	4) einzuziehen
29-	1) zubringt	2) verpasst	3) verläuft	4) wegläuft
30-	1) genau	2) sauber	3) gestochen	4) rein

با توجه به متن زیر به سوالات ۳۱ تا ۳۷ پاسخ دهید:

Genieß jede Sekunde

Bei allem Stress während des Studiums: Vergiss die schönen Momente nicht. Und vergiss nicht zu leben. Da ist der ewige Stress mit der Hausarbeit in Mediävistik, die nicht fertig werden will. Da ist der Streber-Kommilitone, der bis in die letzte Reihe nach Dummheit stinkt. Da sind Professoren, die im Sommer Sandalen und Socken tragen. Dein Geld reicht nur fürs Rohkost-Menü in der Mensa, dein olles Rad wird entweder geklaut oder hat ständig einen Platten; der Putzplan deiner WG wird ungefähr so genau eingehalten wie der Haushaltsplan der Bundesregierung. Da ist die Angst vor der letzten Prüfung - und die Angst vor der Zeit nach der letzten Prüfung. Auf Partys bist du zuweilen nicht mehr beisammen und wirst entweder peinlich oder ausfallend. Und weißt du was:

Die Zeit des Studiums ist trotzdem die großartigste Zeit im Leben. Weil sie nach Freiheit riecht. Weil die Tage keinen Plan haben, sondern nur eine Idee. Weil du anders als in der Schule dein Tempo selbst bestimmen kannst, zum ersten Mal im Leben. Weil du dir selbst überlassen bist. Da ist ein Meer der Möglichkeiten, und du segelst in deinem eigenen Boot. Ganz allein. Stell dich voll in den Wind, segle in eine Flaute, schipper gemütlich hinterher - mach, was du willst, lass es bleiben. Schiff Ahoi.

- 31- Ein Streber-Kommilitone ist einer, der:
- 1) fleißig lernen muss, um die Prüfungen bestehen zu können.
 - 2) unbeliebt ist, weil er sich bei den Lehrern lieb Kind machen will.
 - 3) nicht gerade beliebt ist, weil er fleißig lernt und übermäßig ehrgeizig ist.
 - 4) nur ungern seinen Kommilitonen bei der Lösung der Hausaufgaben hilft.
- 32- Welche Paraphrasierung des „Dein Geld reicht nur für Rohkost-Menü in der Mensa“ ist die richtige?
- 1) Das Rohkost-Menü kostet in der Mensa nicht gerade billiger als anderswo.
 - 2) Von wegen, die Studenten können sich sehr wohl vegetarisches Essen leisten.
 - 3) Die Studenten können sich in der Mensa Rohkost-Menü leisten, weil der Preis dafür noch erträglich ist.
 - 4) Die Studenten essen in der Mensa, weil ihr Geld nur für die hier angebotene Gemüse- und Kochkost reicht.
- 33- Dein olles Rad wird entweder geklaut oder hat ständig einen Platten. Gemeint ist mit „dein olles Rad“:
- 1) dein altes Fahrrad
 - 2) dein billiges Fahrrad
 - 3) dein kaputtes Fahrrad
 - 4) dein geschenktes Fahrrad
- 34- Der Putzplan deiner WG wird ungefähr so genau eingehalten wie der Haushaltsplan der Bundesregierung. WG ist die Abkürzung für:
- 1) Wohngesellschaft
 - 2) Wohlgemeinschaft
 - 3) Wohngemeinschaft
 - 4) Weltgemeinschaft

- 35- Die Zeit des Studiums ist die großartigste Zeit im Leben, weil
- 1) sie kaum nach Freiheit riecht.
 - 2) wir selbst unser Tempo bestimmen können.
 - 3) unsere Tage einen Plan haben, aber keine Idee.
 - 4) weil die anderen über unser Wohl entscheiden müssen.
- 36- Man ist sich selbst überlassen,
- 1) den anderen ist somit gleichgültig, was einem zustößt.
 - 2) man trägt also keine Verantwortung für sein Gegenüber.
 - 3) ihm wird nicht geholfen und auf ihn passt keiner mehr auf.
 - 4) das Verantwortungsgefühl für sich selbst schwächt somit ab.
- 37- Mit „schipper gemütlich hinterher“ ist Folgendes gemeint:
- 1) reise bequem auf deinem Schiff umher.
 - 2) folge den anderen Schiffen auf dem Meer.
 - 3) reise gemütlich als Schiffsführer um die Welt.
 - 4) Sorge dafür, dass frischer Wind in die Segel weht.

با توجه به متن زیر در سوالات ۳۸ تا ۴۵ بهترین گزینه را انتخاب کنید.

Desertifikation: Fruchtbare Land verschwindet

Die Menschheit ist dabei, durch falsche Nutzung der Böden rund ein Drittel der Landfläche so zu schädigen, dass sie zur Wüste wird. Rund 70 Prozent der 5,2 Milliarden Hektar umfassenden Trockengebiete, die weltweit landwirtschaftlich genutzt werden, sind laut der UN-Umweltbehörde Unep durch Desertifikation gefährdet. Eine Million Menschen sind davon betroffen. Allein in Afrika ist das verfügbare Ackerland bis heute um zwei Drittel zurückgegangen. Doch auch Industriestaaten wie die USA, Australien und die Mittelmeerländer leiden unter der Versteppung ihrer Landschaften.

Auf natürlichem Wege wird die Wüstenbildung durch Dürreperioden als Folge klimatischer Schwankungen verursacht. Zunehmend führen aber auch menschliche Aktivitäten zur Zerstörung von fruchtbaren Böden.

Es gibt drei Phänomene, die im Zusammenhang mit der Desertifikation auftreten; diese wirken als Auslöser, verstärken aber zugleich auch eine bereits in Gang gekommene Desertifikation. Das häufigste der drei Phänomene ist die so genannte Überweidung. Dabei werden zu viele Tiere auf einer zu kleinen Weidefläche gehalten. Dies führt zunächst zu einer Ausbreitung ungenießbarer oder giftiger Unkräuter auf Kosten der erwünschten Weidepflanzen. Langfristig kommt es zu einer Auflockerung und einem Rückgang der Pflanzendecke insgesamt. Die dadurch entstehenden Lücken in der Vegetation vergrößern sich allmählich, sofern die Beweidung nicht nachlässt, was bis zur völligen Zerstörung der Pflanzendecke führen kann. In der Folge kommt es daher zu immer stärkerer Erosion der unbedeckten Böden, insbesondere durch den Wind, was wiederum einer natürlichen Neuansiedlung von Pflanzen entgegenwirkt.

Zu ähnlichen Folgen wie bei der Überweidung kann es auch durch falsche Bodenbewirtschaftung kommen. Oft ist der Anbau landwirtschaftlicher Produkte nicht an die lokalen Verhältnisse angepasst, oder die Landwirtschaft ist auf kurzfristigen Gewinn ausgerichtet. Oft hängen diese beiden Faktoren eng miteinander zusammen. Beispiele dafür sind eine Verkürzung der Brachezeiten (wodurch der Boden ausgelaugt wird, also die Nährstoffe zu rasch aufgebraucht werden) und die Verwendung mangelhafter Bewässerungstechniken. Insgesamt kommt es durch diese Faktoren zu Nährstoffverlusten und ungünstigen Bodenveränderungen, die unter den herrschenden Klimabedingungen kaum reversibel sind und die sich in Bodenerosion sowie verminderten Ernteerträgen auswirken. Auch die Abholzung von Wäldern zählt mit zu den Ursachen der Desertifikation. Wald bzw. einzelne Bäume werden gerodet, z. B. um landwirtschaftlich nutzbares Land, Holz für den Export oder Brennholz zu gewinnen. Im Sahel hat der Bedarf an Brennholz zum fast vollständigen Verlust von Bäumen in der Umgebung der Städte geführt. Die Menschen müssen daher immer weitere Strecken zurücklegen, um auch noch das wenige restliche Holz zu sammeln, das sie zum täglichen Kochen benötigen. Die zunehmende Bevölkerungsdichte verstärkt die Brennholzproblematik noch zusätzlich.

- 38- 1) Die Wüstenbildung hat nichts mit den Menschen zu tun.
2) Die Versteppung von Land insbesondere in Afrika geht zurück.
3) Menschliche Aktivitäten sind nie daran beteiligt, wenn Böden unfruchtbar werden.
4) Die Industriestaaten wie die USA, Australien und die Mittelmeerländer sind von der Wüstenbildung auch betroffen.
- 39- 1) Wüsten entstehen ausschließlich durch Dürreperioden und fehlenden Regen.
2) Insbesondere der Wind sorgt dafür, dass sich neue Pflanzen wieder ansiedeln.
3) Wenn zu viele Rinder auf zu engem Raum weiden, führt das zu einem Rückgang des Pflanzenbewuchses insgesamt.
4) Viele weidende Rinder treten den Boden fest und verhindern damit die Versteppung des Landes.
- 40- 1) Einer der Gründe für die Wüstenbildung ist eine mangelhafte Bewässerungstechnik.
2) Die meisten ungünstigen Bodenveränderungen können heutzutage leicht rückgängig gemacht werden.
3) Eine Verkürzung der Zeit, in der die Böden brach liegen, hilft die Versteppung zurückzudrängen.
4) Wenn der Anbau der landwirtschaftlichen Produkte auf schnellen Gewinn angelegt ist, haben alle etwas davon.
- 41- 1) Die Menschen in der Sahel-Zone kochen mit Solarenergie, um Brennholz zu sparen.
2) Viele Wälder werden abgeholzt, um neues Land für die Landwirtschaft zu gewinnen.
3) Durch das mangelnde Brennholz und die Verwüstung des Sahel ist die Zahl der Bevölkerung zurückgegangen.
4) In der Sahel-Zone wurden die Wälder neu aufgeforstet, so dass inzwischen wieder genügend Brennholz vorhanden ist.
- 42- 1) Die Erfahrungen der lokalen Dorfgemeinschaften werden heute noch immer ignoriert.
2) Internationale Konferenzen und Hilfsprogramme haben zur Verbesserung der Situation geführt.
3) Niedrige Weltmarktpreise haben dazu geführt, dass viele arme Länder wenig Einnahmen haben und deshalb kaum noch exportieren können.
4) Viele Entwicklungsländer sehen die Lösung ihrer finanziellen Probleme im wachsenden Export von landwirtschaftlichen Gütern.
- 43- **Durch die Überweidung kommt es zu einer immer stärkeren Erosion der Böden. Was versteht man unter Erosion?**
1) Eine besondere Form der Erotik
2) Zu viele Pflanzen auf einem Boden
3) Das Abtragen der Erde auf den Böden
4) Zu wenig Tiere und zu große Weidefläche
- 44- **Der Anbau landwirtschaftlicher Produkte ist an die lokalen Verhältnisse angepasst. Was bedeutet hier der Begriff „lokale Verhältnisse“?**
1) Die Freundschaften der Dorfbewohner
2) Die Menge der landwirtschaftlichen Produkte
3) Die Lebensumstände in der Region insgesamt
4) Die Beziehungen der Menschen untereinander
- 45- **Eine Verkürzung der Brachezeit bedeutet, dass:**
1) die Ernte sehr gut ist.
2) die Böden sich wieder erholen können.
3) in den Böden zu wenig Nährstoffe sind.
4) dass die Böden nicht sehr ertragreich sind.

گرامر: در سوالات ۴۶ تا ۵۵، گزینه صحیح را انتخاب کنید.

- 46- **Die Menschen, ----- im heutigen Zeremoniell gedacht wurde, sind alle überragende Wissenschaftler.**
1) denen
2) derer
3) deren
4) dessen
- 47- **----- befindet sich hinter dicken Mauern?**
1) Sämtliche gesammelte Wissen
2) Sämtliches gesammelte Wissen
3) Sämtliche gesammelten Wissen
4) Sämtliches gesammeltes Wissen
- 48- **An diesem Berg ist schon ----- abgestürzt.**
1) mancher erfahrene Bergsteiger
2) manche erfahrene Bergsteiger
3) mancher erfahrenen Bergsteiger
4) mancher erfahrener Bergsteiger

۶۱- سرچشمه شاید گرفتن به بیل چو پر شد نشاید گذشتن به پیل

- 1) Den Quellbach kann man mit einer Schaufel aufhalten, aber wenn der Wasserlauf groß geworden ist, kann man ihn nicht mit einem Elefanten durchqueren.
- 2) Den Quellbach kann man mit Elefanten durchqueren, wenn der Wasserlauf groß geworden ist und nicht mit einer Schaufel.
- 3) Den Quellbach kann man mit einem Elefanten aufhalten und nicht mit einer Schaufel, wenn der Wasserlauf groß wird.
- 4) Den Quellbach kann man nicht mit einer Schaufel aufhalten, wenn der Elefant durch den Wasserlauf durchquert.

۶۲- نه راه کسانی که به خشم خدا گرفتار آمدند (قرآن کریم).

- 1) Kein Weg derer, die in Gottes Zorn geraten.
- 2) Keineswegs derer, die von Gottes Zorn verfielen.
- 3) Nicht der Weg derer, die dem Zorn Gottes verfielen.
- 4) Keineswegs von denen, die in Gottes Zorn geraten.

۶۳- به محض تشکیل ستاد بحران، امداد رسانی آغاز گردید.

- 1) Gleich nach der Bildung eines Krisenzentrums, begann die Hilfeleistung.
- 2) Sobald nach der Entstehung des Krisenstabes, begann die Hilfeleistung.
- 3) Gleich nach der Einrichtung eines Krisenstabes, begann die Hilfeleistung.
- 4) Gleich nach der Entstehung eines Krisenorgans, begann die Hilfeleistung.

۶۴- آنکه دل فرا رفتن از واقعیت را ندارد، هرگز بر حقیقت چیره نخواهد شد.

- 1) Wer sich über die Wirklichkeit nicht hinauswagt, der wird nie die Wahrheit erobern.
- 2) Jemand, der keine Wirklichkeit hinter sich haben kann, der wird nie die Wahrheit besiegen.
- 3) Wer die Wirklichkeit nicht überwinden kann, der wird niemals die Wahrheit erschlagen.
- 4) Wer keinen Mut hat, um die Wahrheit zu überwinden, der wird nie die Wirklichkeit besitzen.

۶۵- کسی که خربزه می خورد، باید پای لرزش هم بنشیند.

- 1) Wer A sagt, muss auch B sagen.
- 2) Gleich und gleich gesellt sich gern.
- 3) Wer nicht vollendet, hat nichts getan.
- 4) Wer das Wasser fürchtet, lernt nie schwimmen.

۶۶- از چاله در آمدن به چاه افتادن.

- 1) Borgen macht Sorgen.
- 2) Vom Regen in die Taufe kommen.
- 3) Seinem Schicksal kam niemand entgegen.
- 4) Zu einem Loch hinein, zum anderen heraus.

۶۷- آدم وقتی داستان داوود و جالوت را در عهد عتیق می خواند به وجد می آید.

- 1) Wenn man die Erzählung von David und Djalut im Alten Testament liest, wird man begeistert.
- 2) Wenn wir das Abenteuer von David und Goliath in der alten Bibel lesen, werden wir begeistert.
- 3) Wenn man die Geschichte von David und Goliath im Alten Testament liest, wird man begeistert.
- 4) Beim Vorlesen der Geschichte von David und Djeyad im Alten Testament wird man begeistert.

۶۸- جوجه را آخر پاییز می شمرند!

- 1) Man soll den Tag nicht vor dem Abend loben.
- 2) Es ist besser den Anfang zu heilen als das Ende.
- 3) Was einen Anfang hat, muss auch ein Ende haben (nehmen).
- 4) Was nicht hat einen guten Anfang, gewinnt einen bösen Ausgang.

۶۹- تربیت نااهل را چون گردکان بر گنبد است.

- 1) Einen Helden zu erziehen / Wird Zentauren selbst zur Bürde.
- 2) Einen Unwürd'gen zu erziehen / Ist längst aufs höchste gediehen.
- 3) Bei Unwürd'gen haftet die Erziehung / Wie der Ball auf einem Ziegeldach.
- 4) Bei Unwürd'gen haftet die Erziehung / Wie die Nuß auf einem Kuppeldach.

۷۰- در کار خیر هیچ حاجت استخاره نیست.

- 1) Dem Guten soll man fort helfen.
- 2) Wer Gutes tut, der ist von Gott.
- 3) Wer Gutes tun will, besinne sich nicht lange.
- 4) Das Gute tu und wirf's ins Meer, weiss es der Fisch nicht, weiss es der Herr.

۷۱- خواهی نشوی رسوا، هم رنگ جماعت شو.

- 1) Wer mit Löwen kämpft, darf keine Lammspfoten haben.
- 2) Wer den Beutel vergessen, kann mit den Hunden essen.
- 3) Jage mit den Hunden, die vorhanden sind.
- 4) Mit den Wölfen muss man heulen.

۷۲- سالی که نکوست از بهارش پیداست.

- 1) Jeder Frühling bringt neue Lieder.
- 2) Jedes Ding ist gut, wenn das Ende gut ist.
- 3) Auf einen bösen Anfang folgt selten ein gutes Ende.
- 4) Wenn im Frühling das Gewölk in die Berge treibt, dann gibt's gutes Wetter.

۷۳- به عمل کار بر آید به سخندانی نیست.

- 1) Wort und Tat sollen gehen einen Pfad.
- 2) Wer mit Worten speist, füllet keinen Bauch.
- 3) Besser eine stille Tat als zehn prahlende Worte.
- 4) Auf die Worte kommt's nicht an, Tat macht den Mann.

۷۴- پیش‌بینی‌های سیاسی مانند پیش‌بینی وضع هوا هستند: همه آنها را مدنظر قرار می‌دهند، مگر هوا.

- 1) Politische Voraussagen sind wie Wettervorhersagen: alles hält sich daran, das Wetter eingeschlossen.
- 2) Politische Prognosen sind den Wettervorhersagen ähnlich. Sie treffen immer zu, auch wenn nur einige wenige daran glauben.
- 3) So wie die Wettervorhersagen oft nicht zutreffen, obwohl sich alle daran halten, bewahrheiten sich auch die politischen Prognosen nicht immer.
- 4) Politische Prognosen sind wie Wettervorhersagen: alle halten sich daran, nur das Wetter nicht.

۷۵- سرنوشت بس جدی‌تر از آن است که بتوان آن را به دست تصادف سپرد.

- 1) Das Schicksal darf nicht dem Ungefähr überlassen werden.
- 2) Das Schicksal ist viel zu ernst, als dass man es dem Zufall überlassen könnte.
- 3) Das Schicksal ist ernsthafter, als dass man es von der Gefahr bestimmen lässt.
- 4) Wegen seines Ernstes darf das Schicksal nicht dem Zufall überlassen werden.

متن زیر را به دقت خوانده، به سؤالات ۷۶ تا ۸۳ پاسخ دهید.

چرا با تحقیر به ادبیات عامه‌پسند می‌نگرند؟

این روزها در نظرخواهی‌ها از اهل قلم و نویسندگان و صاحب‌نظران، به تکرار شنیده می‌شود که همه کمابیش از تولید و تکثیر «کتاب‌های عامه‌پسند» ناخشنودند و حتی این‌گونه آثار را مانع پیشرفت «ادبیات جدی» تصور می‌کنند؛ اما به نظر من نباید تصور کرد افزایش و غلبه ادبیات عامه‌پسند موجب از میان رفتن ادبیات داستانی جدی خواهد شد. نخست آن‌که خرید و خواندن کتاب از هر نوع و ژانری را در حال حاضر و با توجه به افول فرهنگ کتابخوانی و رکود بازار کتاب در ایران باید به فال نیک گرفت. «اعتیاد مردم به کتابخوانی» بهترین بلایی است که می‌تواند بر سر فرهنگ و صنعت نشر ایران بیاید! به تجربه ثابت شده است که بسیاری از خوانندگان به اصطلاح ادبیات عامه‌پسند به تدریج با آثار عمیق و جدی نیز آشنا می‌شوند. افزون بر این، در تمام کشورها، شمارگان و فروش کتاب‌های عامه‌پسند بسیار بیش‌تر از داستان و رمان نویسندگان سرشناس است. حتی در کشورهایی که تنگنا و مانع و ممیزی نیز بر سر راه مجوز انتشار وجود ندارد، باز بیش‌ترین تیراژ و بیش‌ترین فروش از آن «کتاب‌های راحت‌الحلقوم» است و تنها اقلیت به سراغ آثار «سنگین و جدی» می‌رود. اصلاً چرا برخی از نویسندگان و روشنفکران ما با «نگاه عاقل اندر سفیه» به خیل خوانندگان کتاب‌های به اصطلاح عامه‌پسند می‌نگرند و با تحقیر با نویسندگان چنین آثاری برخورد می‌کنند؟! فراموش نکنیم که در همه‌جا کم نیستند کسانی که ۱۰ تا ۱۲ ساعت در روز کار بدنی یا فکری می‌کنند و بعد از کار و پیش از خواب، شاید با یک دو ساعت مطالعه کتاب‌های ساده‌خوان و بالینی می‌کوشند از خستگی کار روزانه اندکی بکاهند و با آرامش بیش‌تری سر بر بالین گذارند. این چه گناهی دارد؟! هر جا تقاضایی هست، کالایی نیز تولید می‌شود؛ خواه کالای مصرفی یا کالای فرهنگی. از عجایب روزگار است که برخی با تکبر شبه روشنفکرانه می‌توانند تصور کنند که اکثریت قریب به اتفاق جامعه، با بدنی خسته و ذهنی مشغول، حتماً باید رمانی پیچیده و چندلایه و با موضوع عمیق اجتماعی در دست بگیرند و بخوانند.

- 76- **Kaufen und Lesen von Büchern aller Art sollen gutgeheißen werden.**
- 1) denn davon profitiert in erster Linie die Hochliteratur.
 - 2) denn es geht hier vor allem um die Verbreitung von Lesestoffen.
 - 3) denn bei gegenwärtigem Desinteresse am Lesen ist es besser, wenn man sich nur anspruchsvollere Literatur anschafft.
 - 4) denn bei derzeitiger Flaute im Büchermarkt und Desinteresse am Lesen macht es weniger Sinn, sich nur an die anspruchsvolle Literatur zu halten.
- 77- **Heutzutage sind manche Autoren der Meinung, dass**
- 1) die Publikation von volkstümlicher Literatur den ernsteren Literaturbetrieb in seinem Fortschritt verhindern kann.
 - 2) die Verbreitung von Populärliteratur einen schlechten Einfluss auf die Interessen des Lesepublikums ausüben kann.
 - 3) die Schmutz- bzw. Schundliteratur unerwünscht sei, weil sie gerade dem ernsthafteren Literaturbetrieb stark schaden könnte.
 - 4) die Publikation und Verbreitung von Trivial- bzw. Populärliteratur die Fortentwicklung der ernsthafteren Literatur aufhalten können.
- 78- **Das beste „Unheil“, was der gegenwärtigen Druckindustrie geschehen kann, ist,**
- 1) dass sie eine Umwälzung der Lesekultur erlebt.
 - 2) dass die Menschen der Lesesucht anheim fallen.
 - 3) dass sie sich vom leselustigen Publikum distanziert.
 - 4) dass sich die gegenwärtige Lesekultur den Bedürfnissen dieser Industrie anpasst.
- 79- **In allen Ländern sind die Auflage und der Verkauf von Unterhaltungsbüchern größer als jene Literatur der bekannten großen Autoren,**
- 1) das wirkt sicherlich negativ auf die hochwertige Literatur.
 - 2) weil diese Art von Literatur einem breiteren Lesepublikum zugänglich ist.
 - 3) das ist ein Grund mehr, um dieser Art von Literatur gebührende Rechnung zu tragen.
 - 4) das sagt weiter nichts, als dass die Menschen überall denselben schlechten Geschmack teilen.
- 80- **Das Vorhandensein einer Kontrollinstanz**
- 1) hat einen negativen Einfluss auf den Geschmack der Leserschaft.
 - 2) ist der Grund dafür, dass die Menschen zu Trivialliteratur greifen.
 - 3) hat keinen Einfluss auf die Zuneigung des Lesepublikums zur Trivial- bzw. Unterhaltungsliteratur.
 - 4) ist positiv anzusehen, weil erst dadurch der Zugang zur „sauberen“ Literatur gewährleistet wird.
- 81- **Die Erfahrung lehrt, dass**
- 1) das Interesse an allgemeinverständlicher Literatur von selbst kommt.
 - 2) das Lesen von allgemeinverständlicher Literatur die Voraussetzung für das Verständnis tiefgründiger Literatur ist.
 - 3) das Lesen allgemeinverständlicher Literatur mit der Zeit auch das Interesse an der Fachliteratur weckt.
 - 4) das Lesen populärer Literatur die Leserschaft allmählich mit der tiefgründigen ernsten Literatur vertraut macht.
- 82- **Das ist eine Tatsache:**
- 1) Wo es eine Nachfrage besteht, gibt es ja auch ein Angebot.
 - 2) Die Nachfrage erhöht den Preis für Kultur- und Konsumgüter.
 - 3) Wer eine Anfrage an jmdn. richtet, bekommt auch eine zügige Antwort.
 - 4) Wo sich ein Interesse an Kulturgut bekundet, wird dieses Kulturgut auch tatsächlich angeboten.
- 83- **Das Lesen eines leichtverständlichen handlichen Buches**
- 1) ist ein notwendiges Übel.
 - 2) schadet nicht dem Verstand.
 - 3) kann vor dem Schlaf beruhigend wirken.
 - 4) ist nach einem 10 - 12 stündigen Arbeitstag zusätzliche Belastung.

متن زیر را به دقت خوانده به سؤال‌های ۸۴ تا ۹۰ پاسخ دهید.
ماکس فریش

پاره ای از محققین ادبیات، غالب آثار او را اتوبیوگرافیک می‌دانند. منتقدین او آثارش را غالباً گزارش‌گونه می‌نامند تا ادبیات، چون خواننده در آثار او نمی‌تواند مرز بین حقیقت و خیالپردازی را تشخیص دهد. مخالفان او آثارش را حاوی خودخواهی معلمانه، حاشیه‌پردازی بیوگرافیک - و نمایشنامه‌هایش را غالباً نزدیک به تئاتر مبتذل و جنجالی میدانند. ماکس فریش مانند مونتاین می‌گفت که نویسنده باید به خواننده از همان نخستین سطر، احساس خصوصی بودن، صداقت، و خانگی را تلقین نماید. همه این زحمات او را می‌توان کوشش دیگری برای انسانی نمودن جهان، دانست. در نظر فریش، سرزمین ادبیات را جامعه‌شناسان فراموش کرده‌اند و آمارهای جامعه‌شناسی به مسائل فرد و شرح شخصیت او بی‌توجهی می‌نمایند. فقط در ادبیات است که می‌توان معنی و امکانات داستان‌های زندگی را به آزمایش گذاشت، فقط نویسندگی با واقعیات سروکار دارد و درحین نوشتن است که انسان متوجه واقعیت شده و آن را احساس می‌کند. در جامعه بحران‌زده از خودبیگانگی، هنرمندان و روشنفکرانی که در جستجوی هویت خود هستند، می‌خواهند گذشته خود را از سینه تاریخ پاک کرده تا بتوانند زندگی جدیدی را آغاز کنند. هر "من" یک نقش است، چون روشنفکران همچون تعویض لباس به آزمایش زندگی‌نامه‌های گوناگون خود می‌پردازند. او به تکنوکرات‌های تحصیل‌کرده اشاره می‌کند که فکر می‌کنند همه چیز را می‌توان با کمک ضرب و جمع پیش‌بینی نمود، در صورتی که تضادها و واقعیات زندگی پیچیده را نمی‌توان حتی با کمک تجزیه و تحلیل شرح داد. اینگونه نظرات موجب شد که جنبش سراسری دانشجویان در سال ۱۹۶۸ اروپا، به مخالفت سیاسی با ماکس فریش بپردازد.

- 84- **Einige Kritiker sind der Ansicht,**
 1) dass die Erzählsituation in Frischs Werk auktorial ist.
 2) dass Frisch gerne autobiographische Erzählungen rezensieren möchte.
 3) dass Frisch selbst im Mittelpunkt etlicher biographischen Darstellungen steht.
 4) dass, was Frisch in seinen Büchern darstellt, nichts weiter als seine eigene Lebensgeschichte ist.
- 85- **Kritiker von Frisch behaupten, Frisch schreibe eher berichtartig als literarisch,**
 1) weil er dazu neigt, die Realität und Fiktion verschwimmen zu lassen.
 2) weil er die Realität und Fiktion voneinander nicht unterscheiden kann.
 3) weil er keine Grenze zwischen dem Realen und dem Fiktiven ziehen will.
 4) sonst hätte die Leserschaft in seinem Werk die Realität und Fiktion voneinander unterscheiden können.
- 86- **Die Gegner von Frisch glauben,**
 1) in seinem Werk bloß Impertinentes und Speklatives zu finden.
 2) dass der Inhalt seiner dramatischen Werke obszön und skandalös ist.
 3) dass seine Theaterstücke an die Grenze der Unerträglichkeit stoßen.
 4) dass seine Dramen lehrerhaftes Ego und biographische Spekulationen enthalten.
- 87- **Welche Aussage ist richtig?**
 1) Das literarische Schaffen wird von der Gesellschaftslehre und ihrer Statistiken mitgetragen.
 2) Das Individuum ist laut Frisch zwar der Gegenstand der Soziologie, wird aber nicht gebührend von ihren Statistiken berücksichtigt.
 3) Die Statistiken der Soziologie schenken laut Frisch dem Individuum und der Schilderung seines Charakters weniger Beachtung und die Soziologen selbst haben die Literatur aus dem Gedächtnis verloren.
 4) Die Soziologie beschäftigt sich laut Frisch intensiv mit der Literatur, aber die soziologische Statistik lässt das Individuum und die Darstellung seines Charakters außer Acht.

- 88- **Frisch ist der Ansicht,**
 1) dass die Widersprüche und Realitäten des Lebens nicht einmal durch Analyse und Kalkül erklärt werden können.
 2) dass eine analytische Betrachtung der Widersprüche und Realitäten des komplexen Lebens notwendig wäre.
 3) dass die Technokraten alles auf die leichte Schulter nehmen, wenn sie alle Tatsachen durch die Multiplikation oder Addition abstreiten wollen.
 4) dass die Technokraten die Studenten bei der landesweiten Protestbewegung von 1968 gegen ihn aufgehetzt haben.
- 89- **Um ein neues Leben anzufangen,**
 1) muss jeder eine falsche Identität annehmen.
 2) lösen sich die Künstler und Intellektuellen von ihrer Gesellschaft und wandern aus.
 3) lösen sich die Künstler und Intellektuellen, welche ihre verlorene Identität suchen, von ihrer Vergangenheit.
 4) versuchen die Künstler und Intellektuellen ihre Identität zu bewahren, indem sie ihre krisengeschüttelte Gesellschaft zu verändern versuchen.
- 90- **Der Autor muss**
 1) dafür sorgen, dass bei seinem Leser nicht die äußere Realität, sondern die fremde Identität im Vordergrund steht.
 2) seine Leserschaft dazu überreden, ihren Beitrag zur Humanisierung der Arbeitsverhältnisse ihrer Mitmenschen zu leisten.
 3) dafür sorgen, dass die Aufmerksamkeit seiner Leserschaft auf die Realität gerichtet ist, und dass sie sensibler darauf reagiert.
 4) laut Frisch bei seinem Leser von Anfang an ein Gefühl von Intimität, Aufrichtigkeit und der häuslichen Geborgenheit erwecken, und das ist ein Beitrag, den er zur Humanisierung der Welt geleistet hat.

در سوالات ۹۱ تا ۱۰۰، گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- 91- **Er hat sich in der Stadt schon oft verlaufen,** -----
 1) weil er gern ausgeht
 2) weil er dort fremd ist
 3) weil er kein Auto hat
 4) weil er sich dort gut auskennt
- 92- **„Jdm. anheim fallen“, heißt:**
 1) jdm. überfallen
 2) in jds. Heim ziehen
 3) jdm. Zuteil werden
 4) bei jdm. heimisch werden
- 93- **„Nicht verschont bleiben“ bedeutet:**
 1) noch schön bleiben
 2) geschädigt werden
 3) häßlich werden
 4) sich schonen
- 94- **Eine offizielle Untersuchung ----- erst unter massivem Druck der öffentlichen Meinung.**
 1) erfolgte
 2) folgte
 3) verfolgte
 4) befolgte
- 95- **Dieser Brauch hat „sich überlebt“, bedeutet: Er ist -----.**
 1) erfreulich
 2) altmodisch
 3) überall üblich
 4) immer noch üblich
- 96- **Der Irrläufer ist -----.**
 1) eine Person, die irregegangen ist
 2) ein Sportler, der sich vom Weg irremachen lässt
 3) ein Läufer, der den falschen Weg für richtig hält
 4) etwas (z.B. ein Paket), das die falsche Adresse erreicht
- 97- **Am 9. Juli soll das WM-Fieber global grassieren. Fußball-Weltmeisterschaft in Deutschland, -----
 - in München, Finale in Berlin.**
 1) Abpfeifen
 2) Anpfeiff
 3) Starter
 4) Spiel
- 98- **Was bedeutet „pflegt“ in diesem Satz?
 „Er pflegt jeden Tag einen Spaziergang zu machen.“**
 1) hat die Gewohnheit
 2) kümmert sich
 3) hat gern
 4) muss

- 99- „Unterschlußpf gewähren“ bedeutet: -----
 1) jemanden in seinem Haus wohnen lassen
 2) den Gästen das beste Zimmer anbieten
 3) eine Person oder Sache gewähren
 4) für etwas Gewähr leisten

- 100- Was ist falsch?
 Eine knallrote Farbe -----
 1) ist intensiv
 2) ist fahl
 3) leuchtet
 4) ist grell

آیین نگارش:

در سوالات ۱۰۱ تا ۱۲۰ گزینه صحیح کدام است؟

- 101- ----- hat den Leser einzustimmen und ihn auf das Aufsatzthema vorzubereiten.
 1) Der Hauptteil
 2) Die Einleitung
 3) Der Schluss
 4) Die Thesen
- 102- Der erste Schritt bei einer Erörterung ist: -----
 1) Schluß finden
 2) Reinschrift fertigen
 3) Thema auswählen
 4) Hauptteil konzipieren
- 103- Welche Form der Groß/Kleinschreibung ist nach neuer Reform richtig?
 1) angst machen
 2) Rad-fahren
 3) in bezug auf
 4) Schuld geben
- 104- Welcher Satz ist richtig mit Zeichen versetzt?
 1) Seine Leistungen, es ist schon ausreichend.
 2) Seine Leistungen -es ist schon angedeutet worden- sind nicht ausreichend.
 3) Seine Leistungen; es ist schon angedeutet worden, sind nicht ausreichend.
 4) Seine Leistungen „es ist schon angedeutet worden“, sind nicht ausreichend.
- 105- Welche Reihenfolge ist für die Bestandteile, die in einem Geschäftsbrief vorkommen, typisch.
 1) Bezug, Betreff, Anrede, Text des Briefes, Unterschrift, Grußformel und Anlage.
 2) Bezug, Betreff, Anrede, Unterschrift, Name in Druckbuchstaben, Grußformel und Anlage
 3) Bezug, Betreff, Anrede, Text des Briefes, Name in Druckbuchstaben, Unterschrift und Anlage.
 4) Bezug, Betreff, Anrede, Text des Briefes, Grußformel, Unterschrift, Name in Druckbuchstaben und Anlage.
- 106- Welche Abkürzung ist falsch?
 1) a.D. (für: auf die Dauer)
 2) Mrd. (für: Milliarde)
 3) i.V. (für: in Vertretung)
 4) z.T. (für: zum Teil)
- 107- Wo ist der Doppelpunkt falsch gestellt?
 1) 16: 4 = 4
 2) Es heißt: er sei ins Ausland gegangen.
 3) Er fragt mich: „Weshalb darf ich das nicht?“
 4) Das Sprichwort lautet: Der Apfel fällt nicht weit vom Stamm.
- 108- Welche Form ist richtig?
 1) zwei-jährig
 2) 2 / jährig
 3) 2-jährig
 4) zwei / jährig
- 109- Welche Kommasetzung ist falsch?
 1) Du, hör mal zu!
 2) Wir bitten, diesen Ausflug schnell zu erledigen.
 3) Nicht mein, sondern dein Vorschlag wurde angenommen
 4) Das Flugzeug fliegt wöchentlich einmal und zwar, samstags.
- 110- Welche Form ist falsch?
 1) Eine Art Salat
 2) Eine Art Salats
 3) Eine Art des Salats
 4) Eine Art von Salat
- 111- ----- hat da seinen Platz, wo die Entscheidung zugunsten eines Punktes oder eines Kommas schwer fällt.
 1) Das Semikolon
 2) Das Ausrufezeichen
 3) Das Anführungszeichen
 4) Der Doppelpunkt
- 112- Nach einem indirekten Fragesatz steht -----
 1) ein Fragezeichen
 2) kein Fragezeichen
 3) ein Ausrufezeichen
 4) ein Anführungszeichen

